

تعطیلی و رکود بنگاه‌های تولیدی

راه‌اندازی مجدد این واحدها فرایندی زمان‌بر است و باید عوامل مورد نیاز و زیرساخت‌های لازم فراهم شود تا در آن صورت با تلاش همه‌جانبه دولت و بخش خصوصی و سایر بخش‌های دیگر در تولید کالا و خدمات، کالای داخلی توانایی رقابت عادلانه با همتایان خارجی را به دست بیاورد. در کل می‌توان نتیجه گرفت بدون فراهم‌کردن زمینه مناسب برای ورود فناوری‌های نوین آن هم با اتخاذ تدابیر سیاسی و ایجاد رابطه منطقی و بهره‌گیری از الگوهای اقتصاد مقاومتی با دارندگان این فناوری‌ها، اتخاذ سیاست‌های حذف بارانه انرژی و صرفا حذف اختلالات قیمتی انرژی و بدون توجه به توانایی بنگاه‌های تولیدی در جایگزینی عوامل تولید و خارج‌کردن فناوری‌های فرسوده، ادامه حیات بنگاه‌های تولیدی را با مشکل مواجه کرده و اقتصاد را وارد رکود تورمی کرده بود.

«عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی

ترسیم آینده پتروشیمی ایران

در مدت ۱۱۰ سال حیات صنعت نفت در ایران و نزدیک ۵۵ سال عمر صنعت پتروشیمی، همواره محور توسعه صنعتی ایران «نفت» بوده است. امروز وقت آن رسیده است که به جای اینکه محور تلاش‌ها و نقطه کانونی تولیدات، میلیون‌ها بشکه نفت خام در روز باشد، یک تغییر عمیق و انتقال پارادایمی در انگاره ذهنی «پتروشیمی و نفت» حاصل شود. در این پارادایم، نقطه کانونی پیشسازی صنعتی ایران در زنجیره ارزش آفرین و اشتغال‌زای صنعت بالادست، مبانی و محصولات زنجیره تکمیلی صنعت پتروشیمی جست‌وجو می‌شود. به این معنا که ابتدا همه نفت خام، میعالت نفتی و گازی و همچنین محصولات پالایشگاهی و گاز طبیعی کشور در خدمت صنعت پتروشیمی ایران قرار بگیرد و فقط سرریز آن مجوز صادرات به صورت خام و فراورش‌نشده را داشته باشد. قطعا مثل هر تغییر عمیق و جابه‌جایی



الگوواره‌های فکری در روند پیشرفت کشورهای جهان، محور قرار گرفتن صنعت پتروشیمی و پیشتازی آن برای تحقق آرمان پیشرفته‌ترین کشور اسلامی، مستلزم تغییر هم‌زمان ساختارها در این حوزه است که به نوبه خود نیازمند مطالعات عمیق برای استقلال صنعت پتروشیمی در قالب یکی از معاونت‌های ریاست‌جمهوری مانند سازمان انرژی اتمی ایران، قرارگرفتن در بدنه صنعتی کشور در وزارت صنعت، معدن و تجارت یا تغییر اساسی در ساختار وزارت نفت و تبدیل آن به وزارت پتروشیمی و نفت است.

اما آنچه مسلم است این است که تناسب «ارکان جهت‌ساز» شامل راهبرد، اهداف، ارزش‌های بنیادی و ساختار سازمانی در مقیاس ملی از الزامات جهش سوم در صنعت پتروشیمی ایران و رقابت و هم‌آوردی آن با غول‌های پتروشیمیایی جهان محسوب می‌شود.

«معاون برنامه‌ریزی و تجهیز منابع انسانی شرکت ملی صنایع پتروشیمی

ادامه از صفحه ۱۵

در دوران جنگ شاهد حوزه صنعت نفت کشور نبودیم و با تحریم هم مواجه شدیم. همچنین بیشتر بودجه کشور به سمت هزینه‌های نظامی می‌رفت؛ اما با این اوصاف در آن دوران ما رکوردهای اقتصادی را توانستیم ثبت کنیم که در زمان صلح و در دوران ریاست‌جمهوری دکتر محمود احمدی‌نژاد اتفاق نیفتاد. حتی درآمدهای نفتی دولت جنگ با درآمدهای نفتی دولت‌های نهم و دهم به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه نیست. آیا نوع نگاه مدیریتی به حوزه صنعت نفت در این دو دوره، تأثیری در کسب نتایج معیشتی - اقتصادی برای مردم داشته یا خیر؟

یقیناً چنین است. یکی از مباحثی که همیشه در تحلیل‌های خود داریم، این است که در هر فعالیتی در ابتدا باید فرایند (از ابتدا تا انتها) را بررسی کنیم. نکته دوم ترکیب و سید موضوع است، یعنی اینکه وقتی ما تصمیمی را اخذ می‌کنیم، آثار و تبعاتش برای کدام‌یک از اقشار و نظام‌های برنامه‌ریز خرد و کلان در کشور است که این متأسفانه در دولت قبل دیده نشد.

کشوری مثل چین در دوران تحریم برای ما قلدری کرد. پول نفت را به بهانه قانون تحریم به ما نداد و در حسابی نگه داشت. پول مذکور را قرار بود به ارز بین‌المللی نگهداری کند؛ اما به یوان چین نگهداری کرد. وقتی از این کشور درخواست می‌شد که برای خرید نیازهای کشور به شرکت یا فرد خاصی مقداری از آن را حواله کند، بهانه‌تراشی می‌کرد و بابت تبدیل یوان به دلار، ۱۵ درصد کارمزد طلب می‌کرد. زمانی هم که پول را حواله می‌کرد، هزینه‌ای را (معادل ۱۰ درصد) بابت حواله‌کردن، طلب می‌کرد و این‌گونه عملاً ۲۵ درصد کل سرمایه ما کاسته می‌شد. این همان دزد سر گردنه است. ما در دوران تحریم برای خودمان دزد سر گردنه تراشیدیم. این خسارت‌ها از جیب ملت پرداخت می‌شد. اگر معاون رئیس‌جمهور می‌پرسد که این پول کجا رفت، باید به ایشان گفت که بخشی از پول این گونه نابود شد.

«بعد از انجام پروژه، دولت وزارت نفت در حوزه صنعت نفت به سمت انعقاد قراردادهای IPC رفتند. ماهیت این قراردادها تا چه میزان توانست از آثار تصمیمات غلط دوران احمدی‌نژاد بر بدنه صنعت نفت بکاهد؟

برجام باعث شد که صنعت نفت ما از لاک بیرون بیاید و هدف‌های ملی و بین‌المللی را دنبال کند و اقتدار ملی و بین‌المللی را برای کشور به ارمغان آورد. حتی اگر تنها دستاورد اجرایی‌شدن برجام برای صنعت نفت کشور را افزایش تولید و صادرات نفت تلقی کنیم، این دستاورد بزرگ برای اقتصاد در تحریم ایران، بسیار بزرگ به‌نظر می‌رسد. تولید نفت در ایران هم‌اکنون به مرز چهار میلیون بشکه در روز رسیده است و این افزایش ظرفیت تولید، قبل از هر چیز ریشه در فراهم شدن امکان صادرات نفت به‌واسطه اجرای برجام دارد؛ به خاطر داشته باشیم شرکت‌های تولیدکننده نفت در زمان تحریم با چه کاهش‌های تکلیفی مکرری مواجه می‌شدند. نفت بخواسته اجرای برجام دارد؛ به خاطر داشته باشیم شرکت‌های تولیدکننده نفت در زمان تحریم با چه کاهش‌های تکلیفی مکرری مواجه می‌شدند. در میدان‌های مشترک غرب کارون نیز سال گذشته طرح‌های بزرگی به بهره‌برداری رسید و ظرفیت تولید نفت کشور از میادین مشترک واقع در این منطقه به حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز بالغ شد. در بخش صادرات نیز این روند رو به رشد، حاکم

بود. صادرات نفت ایران پیش از اجرای برجام کمتر از یک میلیون بشکه در روز بود که پس از آن در فاصله کمتر از چهار ماه از مرز دو میلیون بشکه در روز گذشت. صادرات نفت به کشورهای غیراروپایی هم رشد قابل توجهی داشته است به‌طوری‌که واردات نفت چین از ایران در اکتبر سال ۲۰۱۶ در مقایسه با سال ۲۰۱۵ به دوبرابر رسید و ایران به‌عنوان چهارمین تأمین‌کننده نفت بزرگ‌ترین بازار مصرف دنیا، در چین معرفی شد.

پس از اجرایی‌شدن برجام، حدود ۱۵ یادداشت تفاهم بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های بین‌المللی فعال در صنعت نفت جهان امضا شد و ایران از این فرصت برای دستیابی به بهترین طرح جامع توسعه برای توسعه میدان‌های نفت و گاز خود بهره برد. همچنین بزرگ‌ترین بیمه‌های اروپایی برای پروژه‌های نفت و گاز ایران امضا کردند. اگر امروز صنعت نفت ایران به انتقال فناوری‌های روز در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در زمینه پیاده‌سازی روش‌های ازدیاد برداشت نفت امیدوار شده است، به این دلیل است که با اجرای برجام، مسیر برای تعاملات بین‌المللی و بهره‌مندی از فناوری‌های روزآمد دنیا هموار شده است.

«بعد از انجام پروژه، دولت وزارت نفت در حوزه صنعت نفت به سمت انعقاد قراردادهای IPC رفتند. ماهیت این قراردادها تا چه میزان توانست از آثار تصمیمات غلط دوران احمدی‌نژاد بر بدنه صنعت نفت بکاهد؟

ببینید؛ منابع ارزی ما در پایان دوره احمدی‌نژاد از بین رفته بود. صنعت نفت هم برای کشور ما صنعتی ارزبر است؛ چراکه ما دانش فنی و تکنولوژی‌های روزآمد را برای اکتشاف، استخراج و تولید نداریم. بحث دیگر به سرمایه لازم برای انجام پروژه باز می‌گردد. در مهرماه سال ۹۲ که توفیق حضور در شورای سیاست‌گذاری قراردادهای نفتی را داشتم، تیمی از نخبگان، کارشناسان و سازندگان و از همه گروه‌های بخش خصوصی و دولتی حاضر بودند. نتیجه‌ای که در آن سال عاید شد، این بود که باید ضریب برداشت، توسعه میادین و میادین مستقل نفتی و در کل روندی را که می‌تواند کشور را به جریان توسعه متصل کند، افزایش دهیم؛ اما مشکلی وجود داشت؛ «پول نداشتیم». در این میان



۳۳ کشور جهان را در حیطه انعقاد قراردادهای نفتی بررسی و مطالعه کرده و مشاهده کردیم دیگر هیچ کشوری با قراردادهای بیع متقابل در حوزه نفت فعالیت ندارد. به همین دلیل وارد مدل جدیدی از قراردادهای نفتی با عنوان IPC شدیم. ذیل این قراردادها از روش مشارکت باید استفاده می‌شد؛ در این روش به میزان سرمایه مشخصی نیاز بود. این میزان سرمایه را برآورد کردیم و دیدیم پروژه‌های مورد نیاز ما، در یک دوره پنج‌ساله به ۱۰۸ میلیارد دلار پول نیاز دارد؛ این در حالی بود که ۵۳ پروژه بالادستی را پیش‌رو داشتیم. از این طریق هم می‌توانستیم چرخ اقتصاد کشور را به گردش درآوریم و هم می‌توانستیم برداشت‌های خودمان را چندین برابر افزایش دهیم. از سوی دیگر قادر به این امر می‌شدیم که مطابق برنامه‌های بودجه‌ای و سند چشم‌انداز و همچنین برنامه‌های توسعه‌ای پنج‌ساله، طرح‌های بلندمدت را عملی کنیم. به همین خاطر این اتفاق در حوزه نفت در دولت بازدهم رخ داد و با وجود تمام مشکلاتی که در سال ۹۴ و ۹۵ پیش‌رو داشتیم، خوشبختانه در حال کسب نتایج مناسب هستیم.

بیش از ۴۰ تا ۵۰ تقاهم‌نامه محرمانگی بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های وابسته به آن و همچنین شرکت‌های بین‌المللی انجام شده است. درحال‌حاضر از بین این تقاهم‌نامه‌ها، شش قرارداد در شرف مبادله است که مورد اول با شرکت توتال است. دومین مرسک دانمارک، سوم لویک اویل روسیه، چهارم پرتامینای اندونزی، پنجم

وینترسفال آلمان و ششم ا.ا.وی اتریش است که در مراحل نهایی هستند. تصور من این است برای سال ۱۳۹۶ حداقل ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار برای توسعه صنعت نفت قرارداد امضا می‌شود که این مبلغ می‌تواند جریان توسعه اقتصادی را مطابق برنامه ششم و سند چشم‌انداز فراهم کند.

«حضور این شرکت‌های نفتی که می‌توانند در نهایت مستقیماً در توسعه اقتصادی کشور تأثیرگذار باشند، بعد از برجام رخ داد؟

بله؛ اگر برجام نبود، حتی یکی از این شرکت‌ها هم داخل ایران نمی‌شد. فقط به خاطر برجام بود که این شرکت‌ها وارد ایران شدند. پس چرا مخالفان IPC دولت را محکوم می‌کردند که کشور را دودستی به بیگانگان تقدیم می‌کند؟

۴	۳	۵	۷	۶	۹	۲	۱	۸
۲	۸	۱	۴	۳	۵	۶	۹	۷
۵	۷	۶	۲	۸	۱	۴	۱	۳
۴	۳	۹	۷	۶	۱	۲	۸	۵
۶	۱	۵	۸	۹	۷	۳	۲	۴
۳	۲	۴	۱	۵	۶	۸	۷	۹
۸	۹	۷	۳	۲	۱	۵	۶	
۱	۶	۸	۹	۷	۴	۵	۳	۲
۷	۴	۳	۵	۲	۸	۱	۶	۱
۹	۵	۲	۶	۱	۳	۷	۴	۸

۴	۳	۵	۷	۶	۹	۲	۱	۸
۲	۸	۱	۴	۳	۵	۶	۹	۷
۵	۷	۶	۲	۸	۱	۴	۱	۳
۴	۳	۹	۷	۶	۱	۲	۸	۵
۶	۱	۵	۸	۹	۷	۳	۲	۴
۳	۲	۴	۱	۵	۶	۸	۷	۹
۸	۹	۷	۳	۲	۱	۵	۶	
۱	۶	۸	۹	۷	۴	۵	۳	۲
۷	۴	۳	۵	۲	۸	۱	۶	۱
۹	۵	۲	۶	۱	۳	۷	۴	۸

۴	۳	۵	۷	۶	۹	۲	۱	۸
۲	۸	۱	۴	۳	۵	۶	۹	۷
۵	۷	۶	۲	۸	۱	۴	۱	۳
۴	۳	۹	۷	۶	۱	۲	۸	۵
۶	۱	۵	۸	۹	۷	۳	۲	۴
۳	۲	۴	۱	۵	۶	۸	۷	۹
۸	۹	۷	۳	۲	۱	۵	۶	
۱	۶	۸	۹	۷	۴	۵	۳	۲
۷	۴	۳	۵	۲	۸	۱	۶	۱
۹	۵	۲	۶	۱	۳	۷	۴	۸

۴	۳	۵	۷	۶	۹	۲	۱	۸
۲	۸	۱	۴	۳	۵	۶	۹	۷
۵	۷	۶	۲	۸	۱	۴	۱	۳
۴	۳	۹	۷	۶	۱	۲	۸	۵
۶	۱	۵	۸	۹	۷	۳	۲	۴
۳	۲	۴	۱	۵	۶	۸	۷	۹
۸	۹	۷	۳	۲	۱	۵	۶	
۱	۶	۸	۹	۷	۴	۵	۳	۲
۷	۴	۳	۵	۲	۸	۱	۶	۱
۹	۵	۲	۶	۱	۳	۷	۴	۸